

آزادی از نظر حضرت امام (ره) دو مبنا و منشأ دارد:

الف) منشأ طبیعی: آزادی از حقوق اولیه انسان است که اسلام و قوانین اسلامی آن را به رسمیت شناخته است و اصول دین، به ویژه توحید می تواند الهام بخش آن شود: «... مگر آزادی اعطاشدنی است؟ خود این کلمه جرم است! کلمه اینکه اعطا کردیم آزادی را، این جرم است! آزادی مال مردم است [...] اعطا کردیم چه غلطی است» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۰۶). امام می گویند: «حق اولیه بشر است که من می خواهم آزاد باشم. من می خواهم حرفم آزاد باشد. من می خواهم مستقل باشم. من می خواهم خودم باشم. حرف ما این است. این حرفی است که این مردم از شما می پذیرند» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۵۱۰).

ب) منشأ آزادی، قانونی و مبنای آن شرعی است. این آزادی که مردم دارند، از ناحیه خدا و قانون الهی است و از دیدگاه امام: «ریشه و اصل همه عقاید که مهم ترین و بارزترین اعتقادات ماست، اصل توحید است [...] ما از آن اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۸۷).

• انواع آزادی

آزادی انواعی دارد که مهم ترین آن ها آزادی بیان، قلم، اندیشه، عقیده و مذهب است. تنوع آزادی ها به دلیل تنوع نیازهای انسان است؛ زیرا انسان موجودی یک بعدی نیست، بلکه از ابعاد گوناگون روحی و جسمی برخوردار است. تکامل انسان به آن است که در هر یک از عرصه ها از آزادی به نحو صحیح و الهی بهره مند باشد و با آن هویت انسانی خویش را رشد دهد. حضرت امام (ره) به انواع آزادی این چنین اشاره کرده اند:

الف) آزادی اندیشه: اگر کسی ادعا کند آزادی اندیشه از مختصات اساسی دین اسلام است، ادعای گزاف و مبالغه آمیز نکرده است. دلیل روشن این ادعا، آیات فراوان قرآن مجید است که با بیانات گوناگون به تفکر، تعلیل و به جریان انداختن شعور و فهم دستور داده است. اندیشه بهترین وسیله برای بهترین هدف هاست که وصول به واقعیت ها را آسان می کند. در اسلام ابراز تمام عقاید، آرا و فلسفه هایی که با کرامت، عزت، عظمت و شرافت انسان سازگار باشد، آزاد است. اسلام به دیگر ادیان اجازه می دهد که در سایه اش زندگی کنند و افکار خویش را داشته باشند. نکته اینجاست که اسلام به عقاید و آرای فاسد و باطل و تباه کننده و گمراه کننده، که شرافت و کرامت انسان را تهدید می کند و با منافع و مصالح جامعه منافات دارد، اجازه تبلیغ و القانمی دهد (الرافعی: ۱۳۷۵، ص ۵۳).

امام راحل در ارتباط با آزادی اندیشه می فرمایند: «اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی، به اقلیت مذهبی آزادی داده است. آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان، که خداوند برای همه انسان ها قرار داده است، بهره مند شوند» (صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۶۳). ایشان می گویند: «در جامعه ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا ما اطمینان داریم که اسلام در بردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقادات ما قادر است که با ایدئولوژی آن ها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسئله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می کرده اند. ما هیچ گاه آزادی آن ها را سلب نکرده و بدان لطمه وارد نیاورده ایم» (صحیفه امام، ج ۳، ص ۳۷۱). در جای دیگری معتقدند: «در اسلام دمکراسی مندرج است و مردم آزادند در اسلام، هم در بیان عقاید و هم در اعمال» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۶۸).

ب) آزادی بیان: اندیشه انسان، از طریق قلم و نوشتن به دیگران منتقل می شود. اگر تفکر و اندیشه آزاد